

نقش ممیز عدد در گروه حرف تعریف کردی کلهری

* شجاع تفکری رضایی

** کبری نظری

چکیده

در این مقاله نقش ممیز عدد در درون گروه حرف تعریف کردی کلهری را به‌عنوان یک زبان ممیزی بررسی می‌کنیم. ممیزها عناصری هستند که در جایگاه متمم عدد با اسامی قابل شمارش به کار می‌روند. فرافکن حاصل از این هسته نقشی در درون گروه حرف تعریف پایین‌تر از گروه سوری ضعیف و بالاتر از گروه شمارقرار دارد. برای تبیین نقش این عناصر، الگوهای چیرچیا (۱۹۹۸)، بورر (۲۰۰۵) و گبهارت (۲۰۰۹) را به‌عنوان سه مدل مسلط موجود در این زمینه ارائه کرده و با توصیف ممیزهای عدد کردی کلهری از این سه دیدگاه، کفایت آن‌ها را در تبیین این داده‌های جدید می‌سنجیم. براساس مدل چیرچیا، در زبان‌های ممیزی دلالت اسامی توده‌وار بوده و لذا به‌علت جمع بسته‌نشدن اسامی به‌تنهایی، از ممیزها برای جمع بستن اسامی استفاده می‌شود. وجود اسامی قابل شمارش و تکواژ جمع در زبان کردی و همچنین اختیاری بودن ممیزها حاکی از نادرستی این دیدگاه است. بورر (۲۰۰۵) معتقد است که تکواژ شمار و ممیزها نقش افراد را داشته و در توزیع تکمیلی هستند. نظر به حضور همزمان ممیز و نشانه جمع در گروه حرف تعریف کردی کلهری، کارایی این دیدگاه در توصیف داده‌های این زبان نیز رد می‌شود. سرانجام نشان می‌دهیم که اگر به پیروی از گبهارت (۲۰۰۹) ممیزهای عدد را حاوی مشخصه‌های [کمیت] و [انفراد] و در مقابل، تکواژهای جمع را دارای مشخصه [گروه] تلقی کنیم، قادر خواهیم بود علاوه بر توصیف ممیزها در این زبان، توزیع آن‌ها را نیز در درون گروه‌های حرف تعریف تبیین کنیم.

کلید واژه‌ها: ممیز عدد، گروه حرف تعریف، کردی کلهری، مشخصه کمیت، مشخصه انفراد

۱. مقدمه

ممیزها^۱ (classifiers) تکواژهایی هستند که در درون گروه‌های اسمی‌ای که هسته آنها با حضور یک عدد محدود واقع می‌شود به کار می‌روند (کروگر، ۲۰۰۵:۱۲۹). این عناصر از لحاظ معنایی به دو نوع ممیزهای عدد (numeral classifiers) و ممیزهای کمی (measural classifiers) طبقه‌بندی شده و تفاوت آنها در این است که ممیزهای کمی معمولاً با اسم‌های توده‌وار غیر قابل شمارش و ممیزهای عدد عموماً با اسم‌های ذاتاً قابل شمارش همراه می‌شوند. بر این اساس در حالی که ممیزهای کمی یک همگانی زبانی‌اند، ممیزهای عددی عناصری زبان ویژه‌اند و لذا نقش آنها در زبان‌های خاص نیاز به بررسی دارد (استاجی، ۱۳۸۸ به نقل از لی ۲۰۰۰). چنگ و سایسما (۲۰۰۵؛ ۱۹۹۹)، ایشی (۲۰۰۰)، لی (۱۹۹۸؛ ۱۹۹۹)، تانگ (۲۰۰۴)، سیمپسون (۲۰۰۵)، بورر (۲۰۰۵)، گبهارت (۲۰۰۹؛ ۲۰۱۱) و درزی و یاراحمدزهی (۱۳۹۰) معتقدند که ممیزها هسته یک فرافکن نقشی به نام گروه ممیزی بوده و این هسته گروه اسمی را به عنوان متمم برمی‌گزیند.

در این پژوهش ممیزهای عددی کردی کلهری به‌عنوان یکی از سازه‌های گروه حرف تعریف این زبان بررسی می‌شوند. در این زبان علاوه بر ممیزهای کمی، تعدادی ممیز عددی نیز وجود دارد که با اسامی قابل شمارش به کار می‌روند. ممیزهای عددی عام در این زبان کاربرد بسیار وسیعی دارند اما محدودیت‌هایی در همنشینی با سایر عناصر موجود در درون گروه حرف تعریف دارند.

کردی کلهری از جمله گویش‌های شاخه جنوبی زبان کردی است. زبان کردی خود یکی از زبان‌های ایرانی غربی است که به سه شاخه اصلی شمالی، مرکزی و جنوبی تقسیم می‌شود. مهم‌ترین گویش شاخه شمالی کرمانجی و مهم‌ترین گویش شاخه مرکزی، سورانی است. کردی کرمانشاهی، سنجایی، کلهری و لکی نیز مهم‌ترین گویش‌های شاخه جنوبی هستند (رنجبر، ۱۳۸۸).

هدف اصلی این پژوهش مشخص کردن جایگاه و رفتار ممیز عدد در درون گروه حرف تعریف کردی کلهری و همچنین بررسی نقش آن را نظرگاه نظریه‌های چیرچیا (۱۹۹۸)، بورر (۲۰۰۵) و گبهارت (۲۰۰۹)، به‌عنوان نظریه‌های مسلط موجود در این زمینه است. بالطبع مقایسه این سه نظریه در تبیین داده‌های جدیدی مثل ممیزهای گویش کردی کلهری نیز می‌تواند از اهداف دیگر این تحقیق باشد. در این راستا پس از مقدمه در بخش دو، ممیزهای مختلف موجود در زبان کردی را مشخص کرده و ویژگی‌های آنها را بیان می‌کنیم. سپس در بخش سوم جایگاه ساختاری سازه‌های مرتبط با ممیز عدد را در درون گروه حرف تعریف این زبان براساس رویکرد کمینه‌گرا مشخص می‌کنیم. در بخش چهارم، سه نظریه مطرح شده درباره نقش ممیزها را ارائه کرده و در ادامه در بخش پنجم، نقش ممیزهای عدد را در کردی کلهری از این سه دیدگاه مختلف بررسی می‌کنیم تا توانایی هر یک از این سه دیدگاه را در توصیف نقش این عناصر ارزیابی کنیم. سرانجام در بخش شش یافته‌های حاصل از این بررسی‌ها را به‌صورت خلاصه ارائه می‌کنیم.

^۱ اصطلاح دیگری که در فارسی برای این عناصر به کار می‌رود طبقه‌نما است.

۲. ممیز عدد در کردی کلهری

در کردی کلهری عناصری از قبیل /dænek/، /quwz/، /næfær/ و ... به عنوان ممیزهای عدد با اسامی قابل شمارش به کار می‌روند (۱.a و b). پرکاربردترین ممیزهای عددی در کردی کلهری ممیزهای عام /gelæ/ و /-an/ هستند. این ممیزها می‌توانند جایگزین ممیزهای عددی دیگر که هر یک با معدودهای خاصی به کار می‌روند نیز بشوند. به عنوان مثال در (۱.c) ممیز عام /gelæ/ جایگزین واژه «نفر» شده است که خاص معدود انسان است. شایان ذکر است که در این زبان به جای ممیزهای عددی خاص، عمدتاً از این ممیزهای عام استفاده می‌شود.

- (1) a. čwar dænek ?enar
four CL pomegranate
'چهار دانه انار'
- b. šæš næfær ?ayæm
six CL human
'شش نفر انسان'
- c. šæš gelæ ?ayæm
six CL human
'شش تا انسان'

از بین این دو ممیز عام، /gelæ/ می‌تواند همراه با تمامی اعداد به کار رود، اما همچنان که خوش ساختی (۲.b) در برابر بدساختی (۲.c) نشان می‌دهد ممیز /-an/ که به صورت تکواژ وابسته است با عدد «یک» همراه نشده بلکه فقط با اعداد «دو» تا «هشت» به کار رفته و در حضور آن از ممیز /gelæ/ نیز استفاده نمی‌شود.

- (2) a. ye gelæ šamuw
one CL watermelon
'یک هندوانه'
- b. se-y³-an šamuw
three-CL watermelon
'سه تا هندوانه'
- c. *ye-y-an šæmuw
one - CL watermelon
'یک تا هندوانه'

^۲ مثال‌هایی از دیگر اعداد با تکواژ -an:

- Šæš-an ketaw sæn.em
six-CL book buy.PAST.1SG
'شش تا کتاب خریدم'
- ڤا gelæ šamuw deyr.i?
how many CL watermelon have.PRES-2SG
'چند تا هندوانه داری؟'
- heyšt-an deyr.em
eight-CL have-1SG
'هشت تا دارم'

از لحاظ آرایش عناصر در درون گروه حرف تعریف ترتیب « عدد + ممیز + اسم » عام‌ترین آرایش در زبان‌های ممیزی است (گرینبرگ ۱۹۷۲؛ گبهارت ۲۰۰۹). زبان کردی کلهری نیز در این زمینه از همین آرایش پیروی می‌کند و همچنان که داده‌های (۳.b و c) نشان می‌دهد هرگونه تغییری در این ترتیب منجر به بدساختی سازه می‌شود. از نظرگاه اختیاری و یا اجباری بودن ممیزها در کردی کلهری براساس داده‌هایی مثل (۴.a و b) می‌توان گفت که وجود ممیزهایی کمی که با اسامی توده‌وار غیر قابل شمارش به کار می‌روند اجباری است، چراکه تنها راه کمی کردن یک اسم توده‌وار استفاده از این همین واژه‌های اندازه‌گیری است. اما ممیزهای عدد که با اسامی قابل شمارش به کار می‌روند، همان‌طور که داده‌های (۵.b) و (۶.b) نشان می‌دهد، معمولاً اختیاری هستند، جز در یک بافت نحوی خاصی مانند (۷) که وجود ممیزهای عدد در آن اجباری است. استاجی (۱۳۸۸) به نقل از گبهارت (۲۰۰۷) معتقد است که چنین بافتی در زبان فارسی نیز وجود دارد. با توجه به این که حضور ممیزهای عدد در ساختار اسمی متشکل از عدد، ممیز و اسم در کردی کلهری عمدتاً اختیاری است به نظر می‌رسد که اجباری بودن حضور ممیز عدد در این بافت به دلیل خاصی صورت پذیرفته که تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است. سعی ما بر این است که با بررسی نقش ممیزهای عدد سازوکاری بیاندیشیم که در آن براساس مشخصه‌ها امکان و عدم امکان حضور ممیزها و علت اجباری بودن آن‌ها را در چنین بافت‌هایی نیز تبیین کنیم:

(3) a. de gelæ d. گ
two CL window

’دو تا پنجره‘

b. *gelæ de d. گ
CL two window

’تا دو پنجره‘

c. *d. گ gelæ de
window CL two

’پنجره تا دو‘

(4) a. de peyalæ šir
two cup milk

’دو لیوان شیر‘

b. *de šir
two milk

’دو شیر‘

(5) a. se gelæ dowrmel
three CL scarf

’سه عدد روسری‘

b. se dowrmel

Three scarf

’سه روسری‘

(6) a. war Gelæ tematæ
four CL tomato

’چهار تا گوجه فرنگی‘

- b. war temataē
 four tomato
 'چهار گوجه فرنگی'
 (7) de gelæ læ menal-æg-an hat-en
 two CL of child-DEF-PL come-3PL. Past
 'دو تا از بچه ها آمدند'

۳. گروه حرف تعریف در کردی کلهری

بر اساس ساختاری که گبهارت (۲۰۰۹: ۵۴) از گروه حرف تعریف به دست داده است، در گروه حرف تعریف کردی کلهری به نظر می‌رسد که گروه‌های سوری قوی (strong quantifier phrase) و ضعیف (weak quantifier phrase) در بالای هسته ممیزی قرار گرفته و بر آن تسلط دارند. سور اصطلاحی است که در معناشناسی، مباحث منطقی و البته نحو کاربرد دارد و به مجموعه‌ای از عناصر از قبیل «برخی، همه، هر، بعضی، مقداری» اطلاق می‌شود که کمیت را نشان می‌دهند. سور در دستورهای سنتی شامل دو نوع کلی و وجودی است. عناصری از قبیل «برخی، بعضی، مقداری و کمی» سورهای وجودی و واژه‌هایی مانند «همه، هیچ، هر، تمام، و کل» سورهای کلی نامیده می‌شوند. در مطالعات نحوی جدید مانند متیوسن (۱۹۹۹)، کارلسن (۲۰۰۳)، گیلن (۲۰۰۹) و گبهارت (۲۰۰۹؛ ۲۰۰۱۱)، خصوصاً آن مطالعاتی که بر اساس برنامه کمینه‌گرا انجام می‌پذیرند، به جای اصطلاحات سور کلی و وجودی به ترتیب از سور قوی و ضعیف استفاده می‌شود. بنابر نظر گبهارت (۲۰۰۹) در زبان انگلیسی حضور سورهای قوی با حرف تعریف نشانه معرفه در یک ساختار، سبب ایجاد سازه‌ای بدساخت می‌شود چرا که گروه سوری قوی و حرف تعریف «the» در یک جایگاه واحد به کار رفته و توزیع تکمیلی هستند:

- (8) a. *The each snake /*each the snake
 b. *The every snake /*every the snake

(گبهارت ۲۰۰۹: ۸۰)

در زبان انگلیسی گروه سوری ضعیف که فراقنی از عناصری مانند «few, many» است، می‌تواند با حرف تعریف «the» همراه شوند. همچنین مطابق داده‌های (b و a.9) بعضی از سورهای قوی رفتاری همانند حرف تعریف «the» داشته و می‌توانند قبل از سورهای ضعیف به کار روند و به بیان دیگر با سورهای ضعیف باهم‌آیی داشته باشند. اما در این مورد محدودیتی در ترتیب حضور سورهای قوی و ضعیف وجود دارد به این صورت که سورهای ضعیف نمی‌توانند قبل از سورهای قوی به کار روند (b و a.10):

- (9) a. All few minimalist
 b. All three yahoos
 (10) a. *Many all yahoos
 b. *Some the yahoos

(گبهارت ۲۰۰۹: ۷۹)

زبان‌شناسانی مانند باورز (۱۹۷۵)، جکنداف (۱۹۷۷)، میلسارک (۱۹۷۹) و گبهارت (۲۰۰۹) معتقدند که تفاوت‌هایی بین حروف تعریف سوری قوی و ضعیف وجود دارد. اولین تفاوت به معنای این دو نوع سور مربوط می‌شود به این

صورت که سورهای قوی برخلاف سورهای ضعیف، معنایی مانند معنای سورهای همگانی معیار مثل « هر، همه » در منطق دارند. دوم این که سورهای قوی قبل از گروه سوری ضعیف قرار می‌گیرند و می‌توانند آنها را به عنوان متمم بپذیرند. درحالی که سورهای قوی، متمم سورهای ضعیف واقع نمی‌شوند؛ بنابراین این دو نوع سور باید دارای هسته‌هایی جداگانه باشند. گروه سوری ضعیف و اعداد به یک جایگاه ساختاری تعلق دارند و در نتیجه نمی‌توانند باهم آیی داشته باشند اما گروه سوری قوی جایگاه جداگانه خاص خود را دارد. جملات زیر از زبان فارسی مؤید آن است که اعداد اصلی و سورهای ضعیف به یک جایگاه واحد تعلق داشته و این جایگاه پایین‌تر از جایگاه سورهای قوی است.

(۱۱) الف. تعدادی سه کتاب

ب. بعضی هفت دختر(ها)

ج. هر سه کتاب

د. همه پنج دخترها

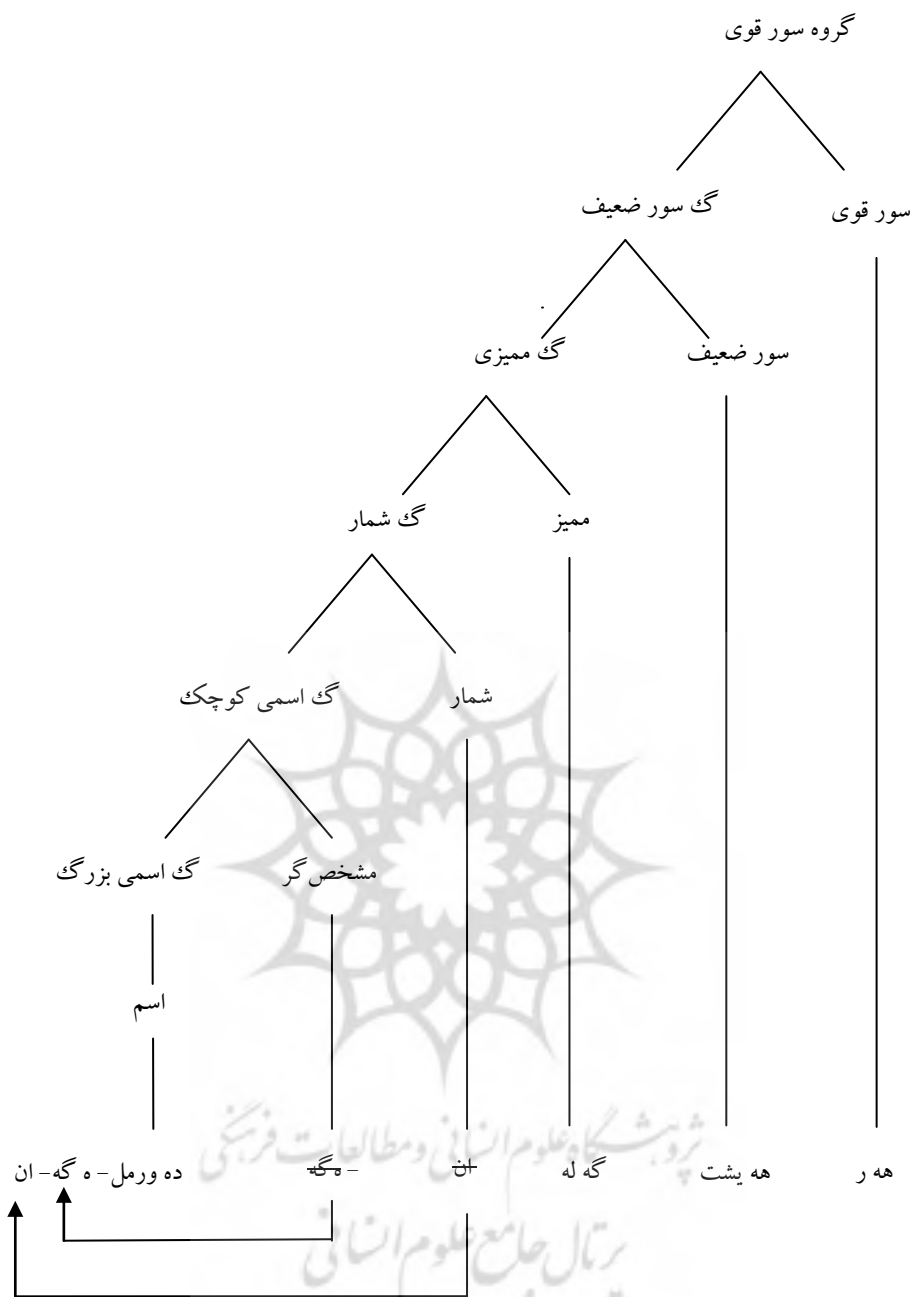
در زبان کردی کمی‌نمایی از جمله /hær/ "هر" و /gište/ "همه" هسته گروه سوری قوی هستند و عناصری مانند /qeyre/ "مقداری"، /bazey/ "بعضی"، /qerdegey/ "کمی" و اعداد (numerals) به‌عنوان کمی‌نمای ضعیف هسته گروه سوری ضعیف را تشکیل می‌دهند. گروه سوری قوی نیز به صورت سلسله‌مراتبی بالاتر از گروه سوری ضعیف قرار گرفته و بر آن تسلط بلافصل دارد. پارتی (۱۹۹۵: ۵۶۱) با ارائه تقسیم‌بندی متفاوتی معتقد است که بعضی از سورهای ضعیف مثل اعداد مقدار دقیق کمیّت را نشان می‌دهند و برخی دیگر از این سورها بیان‌گر مقدار نسبی یا تقریبی کمیّت هستند. بر اساس این وجه تمایز، سورها را در قالب دو گروه صریح و غیرصریح نیز نام‌گذاری می‌کنند که منظور از سور صریح، همان اعداد است، زیرا به نوعی نشان‌دهنده کمیّت هستند و منظور از سور غیرصریح نیز همان سورهای قوی و ضعیف است که عناصری مانند «همه، کل، تمام، هر، بعضی، برخی، کمی، مقداری» را شامل می‌شود. قراردادن اعداد در دسته‌ای جداگانه ناشی از این واقعیت است که در زبان‌های دارای ممیز، ممیزهای عدد عموماً محدود به حضور همراه با اعداد هستند و با سایر سورها (بجز «چند») به کار نمی‌روند. از این نظر، آنچه‌آنکه داده‌های بدساختی مانند (۱۲.a) نشان می‌دهند، به نظر می‌رسد که در کردی کلهری نیز محدودیت‌هایی در باهم آیی سورهای قوی با سورهای ضعیف وجود دارد، به این صورت که باهم آیی سور قوی /gište/ با سور ضعیف /qeyre/ سازه‌ای بدساخت به دست می‌دهد، اما اگر از سور ضعیف عدد استفاده شود چنین محدودیتی وجود ندارد (۱۲.b). لازم است ذکر شود که علاوه - بر اعداد، واژه «چند» نیز می‌تواند با ممیزها در یک ساختار به کار برود. طبق نظر حق‌شناس و همکاران (۱۳۸۷: ۱۱۶) در گروه حرف تعریف زبان فارسی «چند» جزو وابسته‌های تعدادنماست که شمار تقریبی اسم پس از خود بیان می‌کند. این واژه بیشتر از این که یک سور باشد در واقع یک عدد است و بنا بر نظر باطنی (۱۳۴۸: ۱۴۲) در حقیقت «چند» یک عدد نامعین است. کمیّت‌نمای *am* / "چند" در کردی کلهری نیز به نظر می‌رسد که درست مانند زبان فارسی همانند یک عدد عمل می‌کند، چراکه می‌تواند مانند اعداد (b و ۱۳.a) و برخلاف سایر سورهای ضعیف (۱۳c) با ممیزها به کار برود.

- (12) a. *gište qeyre ketaw-æg-an geran bewnæ
all some book-DEF-PL expensive be.PAST.3PL
'همه تعدادی کتاب‌ها گران شدند'
- b. gište čwar gelæ ketaw-æg-an geran bewnæ
all four CL book-DEF-PL expensive be.PAST.3PL
'همه چهار تا کتاب‌ها گران شدند'
- (13) a. گن gelæ dar
some CL tree
'چند تا درخت'
- b. گن dænek gerdækan
some CL nut
'چند دانه گردو'
- c. *qeyre gelæ šamuw
some CL watermelon
'تعدادی تا هندوانه'

در زبان‌های ممیزی مانند کردی کلهری، با توجه به وجود ممیزهای عددی در ساختار گروه حرف تعریف، گروه جداگانه‌ای با عنوان گروه ممیزی (CLP) وجود دارد که تحت تسلط بلافصل گروه سور ضعیف است. گروه دیگری که در درون گروه حرف تعریف این زبان وجود دارد گروه شمار (number phrase) است که خود تحت تسلط بلافصل گروه ممیزی است. در این زبان تکواژهای /-an/ و /-eyl/ که برای جمع بستن اسامی به کار می‌روند در هسته این گروه قرار می‌گیرند. از این تکواژها، تکواژ /-an/ برای جمع بستن اسامی معرفه و تکواژ جمع /-eyl/ برای اسامی نکره مشخص استفاده می‌شود. براساس آنچه در این بخش درباره گروه حرف تعریف زبان کردی کلهری ارائه شد می‌توان گفت که در این زبان گروه حرف تعریفی مثل (۱۴) ساختاری مانند (۱۵) دارد که در آن /hær/ به عنوان سور قوی در هسته گروه سوری قوی و عدد /heyšt/ در هسته سور ضعیف قرار می‌گیرد

- (14) hær heyšt gelæ dowrmel-ægæ-an
each eight CL scarf-DEF.SPECIFIC-PL
'هر هشت تا روسری‌ها'

(۱۵)



از آنجا که این زبان دارای تکواژ شمار نیز هست گروه شمار نیز در این ساختار فرافکن شده که در این جمله تکواژ شمار /-an/ در جایگاه هسته آن قرار دارد. عنصر /gelæ/ به عنوان ممیز در جایگاه هسته گروه ممیزی قرار می گیرد که این گروه خود در جایگاه پایین تر از گروه سوری ضعیف و بالاتر از گروه شمار فرافکن می شود. شایسته است ذکر شود که این نمودار ساختار گروه های حرف تعریف را در زبان هایی مانند فارسی و کردی نشان می دهد که دارای ممیز عدد هستند بنابراین گروه حرف تعریف زبانی غیر ممیزی مانند زبان فرانسه طبیعتاً نمی تواند حاوی چنین ساختاری باشد.

۴. الگوهای مختلف توصیف ممیزها

نظریه‌های مختلفی درباره نقش ممیزها در درون گروه حرف تعریف و همچنین امکان همنشینی آن‌ها با سایر سازه‌ها از جمله تکواژ شمار مطرح شده است. در این بخش نظریات چیرچیا (۱۹۹۸)، بورر (۲۰۰۵) و گبهارت (۲۰۰۹) را به عنوان سه الگوی مسلط موجود در این زمینه معرفی می‌کنیم.

۴-۱. چیرچیا (۱۹۹۸)

از نظر چیرچیا (الف ۱۹۹۸) این که یک زبان حاوی ممیزها یا نشانه جمع باشد به دلالت (denotation) اسم‌های آن زبان بستگی دارد. او معتقد است که تمامی زبان‌ها دارای تعدادی اسم توده‌وار هستند؛ برای مثال واژه «water» در زبان انگلیسی توده‌وار است، اما در بعضی زبان‌ها از جمله چینی، توده‌واربودگی به مفهوم تمامی اسم‌ها بسط پیدا کرده به طوری که در این زبان، حتی اسم‌هایی مانند «گره» و «کتاب» از لحاظ شمارش به مانند واژه «آب» در زبان انگلیسی غیرقابل شمارش و توده‌وار هستند. بنابر نظر چیرچیا با توجه به توده‌واربودن اسم‌ها در این زبان تنها از ممیزهای عددی استفاده شده و تکواژ جمع با اسم‌ها به کار نمی‌رود و در نتیجه ساختار «ممیز-اسم-تکواژ شمار» در این زبان وجود ندارد.

تمایز میان دلالت اسامی توده‌وار و قابل شمارش را می‌توان با استفاده از اصطلاحات منفرد و جمع منفردها (pluralities of individual) تشریح کرد. چیرچیا (ب ۱۹۹۸) به پیروی از لینک (۱۹۸۳)، لندن (۱۹۸۹؛ ۱۹۹۵) و بانت (۱۹۸۵) معتقد است که برخلاف اسامی قابل شمارش، اسامی توده‌وار هنگامی که از واژگان انتخاب می‌شوند پیشاپیش مشخصه جمع در آن‌ها تعبیه شده است. بنابراین، اسم توده‌وار به تک تک عضوهای منفرد یک مجموعه و همچنین جمع حاصل از ترکیب منفردها دلالت دارد. اسم قابل شمارش در حالت مفرد مصداق یک واحد منفرد است و در حالت جمع به تعدادی واحد منفرد جداگانه اشاره دارد، در حالی که اسامی توده‌وار در حالت مفرد هم مفهوم واحدهای منفرد و هم توده‌ای از واحدهای منفرد را دارند. در زبان چینی تمامی اسم‌ها بدین گونه‌اند، مثلاً واژه /xuesheng/ "دانش‌آموز" با همین صورت و شکل به هر دانش‌آموز منفردی و همچنین هر جمعی از این دانش‌آموزان منفرد اطلاق می‌شود. نظر به وجود مفهوم جمع در این کلمات، چیرچیا (الف: ۳۴۵) معتقد است که اصطلاحات توده‌وار پیشاپیش در واژگان جمع بسته شده‌اند. بر پایه این استدلال، چیرچیا پارامتر نگاشت اسمی (nominal mapping parameter) خود را این گونه بیان می‌کند که با توجه به این که در زبانی اسامی غیر قابل شمارش یا قابل شمارش باشند، به ترتیب به موضوع (argument) یا محمول (predicate) تقسیم می‌شوند. حال چنانچه اسم‌ها در یک زبانی موضوع باشند آن زبان یک زبان ممیزی خواهد بود به این مفهوم که برای قابل شمارش کردن اسامی از بین ممیزها در یک طرف و تکواژهای جمع و حروف تعریف در طرف دیگر، این زبان ممیزها را برگزیده است و اگر در زبانی اسم‌ها محمول واقع شوند آن زبان به جای ممیزها تکواژهای جمع و حروف تعریف را برمی‌گزیند.

فرضیه چیرچیا از تحلیل کارلسن (۱۹۷۷) نشأت گرفته است. بنابر کارلسن (۱۹۷۷) اسم‌های عریان (bare plurals) در زبان انگلیسی به نوع دلالت دارند و بر این اساس این اسم‌ها تنها در جملاتی به کار می‌روند که محمول آن‌ها دربرگیرنده

نوع آن اسم است. علاوه بر این، چیرچیا با استناد به کریفکا (۱۹۹۵: ۳۹۹) معتقد است که اسامی جمع به شکل عریان در انگلیسی و مفرد عریان در چینی اصولاً برای اشاره به نوع به کار می‌روند.

بنابر چیرچیا وجود تغییر توده‌وار در اسم‌ها، مانند «furniture» در زبان انگلیسی، به این معنی است که آن اسم فاقد قابلیت جمع بسته شدن است. علاوه بر آن، چون در زبان چینی اسم‌ها همگی توده‌وار هستند برای قابل شمارش شدن این اسم‌ها از ممیزها استفاده می‌شود تا همانند استفاده از واژه‌های اندازه‌گیری برای اسامی غیر قابل شمارش در سایر زبان‌ها، این اسم‌های توده‌وار به شکل منفرد در آیند. چیرچیا با مطالعه تمایزات موجود بین زبان‌های دارای ممیز و زبان‌های فاقد ممیز، ویژگی‌های یک زبان ممیزی مانند چینی را به شرح زیر بیان کرده است:

الف) اسم‌ها به صورت عریان و بدون هیچ گونه محدودیتی در جایگاه‌های موضوع در سطح نحو ظاهر می‌شوند.

ب) تمامی اسم‌ها هنگامی که از واژگان انتخاب می‌شوند دارای مصادیق توده‌وار هستند.

پ) اسامی اصلاً جمع بسته نمی‌شوند.

ت) به کار رفتن اسم‌ها در این زبان مستلزم این است که ابتدا این اسم‌ها با استفاده از ممیزها به شکل منفرد در آیند.

در مقابل زبان چینی، در زبانی غیر ممیزی مانند فرانسوی اسم‌ها هیچ‌گاه به صورت عریان در جایگاه موضوع به کار نمی‌روند بلکه لزوماً باید از یک گروه حرف تعریف فراقن شوند. علاوه بر این، این زبان‌ها به خاطر داشتن تکواژ جمع در اسم‌ها دارای نظام شمار (مفرد/ جمع) هستند. زبان فرانسوی فاقد نظام ممیز عدد بوده و اسم‌ها تکواژ جمع می‌پذیرند. این زبان به طور کلی فاقد حروف تعریف تهی بوده و استفاده از اسم‌های قابل شمارش عریان در جایگاه موضوع در این زبان پذیرفتنی نیست، به طوری که حتی اسم‌های غیر قابل شمارشی مانند «eau آب» با حرف تعریف به کار می‌روند. توصیف چیرچیا از ویژگی‌های یک زبان غیر ممیزی مانند فرانسوی به این شرح است:

الف) موضوع‌ها به صورت اسم عریان به کار نرفته و حضور گروه حرف تعریف برای موضوع‌ها ضروری است.

ب) مصادیق تمامی اسم‌ها به صورت قابل شمارش است.

پ) اسامی جمع بسته می‌شوند.

ت) این زبان‌ها فاقد نظام ممیزی هستند.

در مقابل، چون در برخی از زبان‌ها مانند زبان انگلیسی از اسم عریان در جایگاه موضوع به شکل جمع عریان استفاده می‌شود اغلب یک حالت بینابینی میان زبان‌های ممیزی و غیر ممیزی نیز وجود دارد. چیرچیا ویژگی‌های این زبان‌ها را نیز این گونه بیان می‌کند که:

الف) اسم‌های جمع عریان می‌توانند به عنوان موضوع به کار بروند، اما اسامی مفرد عریان نمی‌توانند موضوع واقع شوند.

ب) مصادیق اسم‌های مفرد عریان به صورت قابل شمارش بوده، اما اسامی جمع عریان مصادیق توده‌وار دارند.

پ) اسامی جمع بسته می‌شوند.

ت) این زبان‌ها فاقد ممیز هستند.

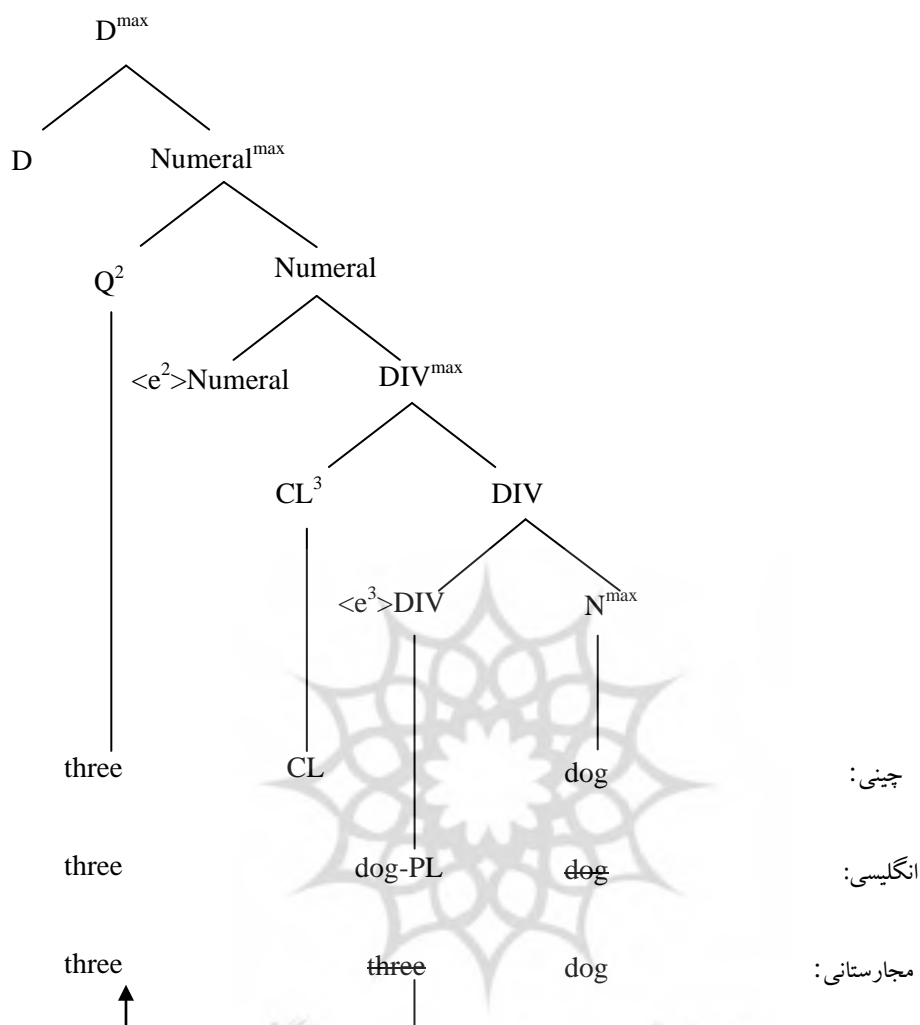
چیرچیا (۱۹۹۸ الف) با مقایسه زبان‌های ممیزی از قبیل چینی و زبان‌های غیر ممیزی مانند انگلیسی پیشنهاد می‌کند که در زبان‌های ممیزی بسط اسامی به صورت توده‌وار است و نشانه جمع به کار نمی‌رود. لذا برای قابل شمارش کردن اسم

توده‌وار، باید آن را با یک ممیز ادغام کرد. از سوی دیگر در زبان انگلیسی، اسم‌ها از نظر قابل‌شمارش یا توده‌واربودن متفاوتند و هیچ ممیزی با اسامی قابل‌شمارش به کار نمی‌رود. در مقابل، این زبان دارای نظام شمار (مفرد/ جمع) است. براساس نظریهٔ چیرچیا (۱۹۹۸الف؛ ۱۹۹۸ب) تعمیمی عام‌پدیدار شد به این صورت که یک زبان یا به زبان‌های ممیزی تعلق دارد یا به زبان‌های شمار.

۴-۲. بورر (۲۰۰۵)

بورر (۲۰۰۵) ضمن رد تعمیم چیرچیا بر این باور است که چون نقش شمار و ممیزها منفردکردن عناصر است بنابراین با یکدیگر در توزیع تکمیلی بوده و هر دو در هستهٔ گروه یکسانی به نام گروه انفراد (DIV) تولید می‌شوند. برخلاف چیرچیا، بورر همسو با شاروی (۱۹۷۸) و موروماتسو (۱۹۹۸) معتقد است که اسم‌ها در همهٔ زبان‌ها لزوماً در واژگان از لحاظ قابل‌شمارش یا توده‌واربودن نشان‌دار نبوده، بلکه مفاهیمی از این دست عمدتاً در سطح نحو ایجاد می‌شوند. بنابر بورر اسم‌ها برای قابل‌شمارش شدن ابتدا باید به واحدهای منفرد تقسیم بشوند و بر این اساس باید هسته‌ای برای این کار تحت عنوان هستهٔ انفراد در درون گروه حرف تعریف وجود داشته باشد. مضافاً اینکه این نقش یعنی منفردشدن گروه‌های اسمی باید لزوماً توسط یک تکواژ آشکار، مانند ممیزها یا تکواژ شمار، انجام گیرد. مثلاً در زبان انگلیسی تکواژ شمار و در زبان چینی ممیز چنین نقشی را در درون گروه‌های اسمی ایفا می‌کند. از نظر بورر همچنین در برخی از زبان‌ها از جمله مجارستانی در درون گروه‌های اسمی، اعداد خود اسامی را به شکل منفرد درآورده و در نتیجه در این زبان‌ها وجود یک عدد اصلی یا سور برای قابل‌شمارش شدن اسامی کافی بوده به طوری که حتی در صورت وجود نشانه‌های جمع در این زبان‌ها، این نشانه‌ها بر روی اسم‌ها ظاهر نمی‌شوند. ماسام (۲۰۰۹) ساختار گروه اسمی مطرح شده از طرف بورر را به شکل (۱۶) نشان می‌دهد.

در زبان انگلیسی از آن‌جا که نشانهٔ جمع وجود دارد بنابر نظر بورر این نشانگر در هستهٔ گروه انفراد تولید می‌شود و با توجه به این که این نشانگر به صورت وند است اسم «dog» از هستهٔ گروه اسمی به هستهٔ گروه انفراد حرکت می‌کند و در زبان چینی به جای نشانگرهای جمع هستهٔ گروه انفراد شامل یک ممیز است. در این دو زبان به خاطر وجود نشانگر و ممیز، عدد بالاتر از گروه انفراد و در جایگاه مشخص‌گر گروه عددی قرار می‌گیرد، اما در زبان مجاری که فاقد نشانگر جمع و ممیز است اعداد ابتدا به عنوان منفردکننده در هستهٔ گروه انفراد ادغام شده و سپس به شاخص گروه عدد ارتقا می‌یابند.



بورر برای این باور است که در توزیع تکمیلی بودن ممیزها با شمار به تمام زبانها تعمیم داد، چراکه ممکن است زبانهای مختلف در این زمینه ویژگیهای خاص خود را داشته باشند. مثلاً در زبان ارمنی هر دو نشانگر ممیز و شمار وجود دارند و هنگامی که در درون گروه اسمی عدد وجود دارند هر دو نشانه شمار و ممیز می توانند در درون آن گروه اسمی به کار بروند اما نکته اینجاست که عدد هر بار تنها با یکی از این دو عنصر به کار می رود، به طوری که به کار رفتن همزمان هر دوی آنها همراه با عدد در یک ساختار، سازه ای بدساخت به دست می دهد.

بنابراین، در هر زبانی این امکان وجود دارد که در درون گروه حرف تعریف هم نشانه های شمار و هم ممیزها وجود داشته باشند، اما براساس طرحی که بورر ارائه می کند از آنجا که هر دو آنها نقش یکسانی را ایفا می کنند درون یک گروه اسمی تنها یکی از آنها نمود پیدا می کند.

۳-۴. گبهارت (۲۰۰۹)

در برنامه کمینه گرا، اعتقاد بر این است که هنگامی که عناصر از واژگان انتخاب می‌شوند حاوی یک سری مشخصه‌هایی هستند که برخی تعبیرپذیر و برخی تعبیرناپذیرند. گبهارت (۲۰۰۹) تفاوت موجود در کاربرد مقوله‌های نقشی نشانه جمع و ممیز را به تفاوت مشخصه‌های آن‌ها نسبت می‌دهد.

گبهارت (۲۰۰۹) بر این باور است که شمار دارای سه گونه ممیز، مفرد و جمع است. علی‌رغم این که هر سه این گونه‌ها شامل مشخصه [انفراد] هستند، گونه‌های مفرد و جمع به ترتیب برای نشان‌دادن مشخصه‌های کمینه (minimal) و گروه (group) نیز اختصاص یافته‌اند. مشخصه‌های تکواژهای شمار مفرد و جمع دارای وضوح معنایی هستند اما علی‌رغم اینکه ممیزها نوعی دیگر از تکواژ شمار لحاظ می‌شوند، کاربردشان با عدد «یک» و سایر اعداد حاکی از این است که ممیزها نوعاً نسبت به این که اسم دارای تعبیر مفرد یا جمع است حساس نبوده یا به بیانی دیگر برای نشان‌دادن تمایز مفرد و جمع اختصاص نیافته‌اند.

مشخصه‌های تعبیرناپذیر در رابطه خواهری با عنصری که حاوی شکل تعبیرپذیر همان مشخصه است بازبینی می‌شوند. باتوجه به این که گروه‌های سوری حاوی مشخصه تعبیرپذیر کمیت بوده و تنها در درون گروه حرف تعریفی به کار می‌روند که در آن هسته گروه سوری پر باشد، بنابراین می‌توان گفت که ممیز حاوی مشخصه تعبیرناپذیر کمیت است که در رابطه خواهری با مشخصه تعبیرپذیر کمیت موجود در سور بازبینی می‌شود. باتوجه به این که رابطه حاوی یک ممیز، به یک عدد به‌عنوان سور نیاز دارد بنابراین مشخصه کمیت آن دربرگیرنده مشخصه خاص تری به شکل مطلق (absolute) است. در صورتی که در سورهای غیر عددی این مشخصه به صورت نسبی (relative) است.

مشخصه کمیت موجود در حروف تعریف کمی نما تعبیرپذیر است اگرچه ارزش‌های نسبی و مطلق آن می‌توانند به صورت تعبیرناپذیر باشند. چنانچه این مشخصه‌ها تعبیرناپذیر باشند در رابطه خواهری با گروه ممیز و گروه شمار بازبینی می‌شوند. ممیزهای عددی فاقد مشخصه‌های [گروه] (group) و [کمینه] (minim) موجود در تکواژهای شمار جمع و مفرد بوده و تنها حاوی مشخصه‌های [انفراد] (indiv) و کمیت از نوع [مطلق] (abs) هستند. این درحالی است که تکواژ جمع تنها مشخصه خاص تری از انفراد را که همان مشخصه [گروه] است، دارد.

نظر به این که تکواژ جمع در زبان انگلیسی با هر دو سور عددی و غیر عددی به کار می‌رود، رابطه بین سورها و گروه شمار ارتباطی به مشخصه‌های [مطلق] و [نسبی] (rel) نداشته و تنها دربرگیرنده مشخصه [کمیت] (q) است. مشخصه اسم [n] در هسته گروه اسمی کوچک مشخصه غیر قابل تعبیر [u-n] را روی تکواژ شمار بازبینی و حذف می‌کند. در ادامه، با تعمق درباره گروه‌های حرف تعریف کردی کلهری که حاوی عنصر ممیز عددی هستند کارایی این سه الگو را در توصیف داده‌های این زبان می‌سنجیم تا از این راه هم ویژگی‌های ممیزهای عدد در کردی مشخص شوند، هم این سه نظریه مسلط را از یک زاویه جدید با داده‌های جدید به محک آزمایش بگذاریم.

- (19) gowel-eyl læ wæhar gq-en
flower-PL in spring pullulate-PRES.3PL

‘گل‌ها در بهار غنچه می‌دهند’

- (20) gowel-æg-an ?aw da-yd?
flower-DEF-PL water give- PAST.2SG

‘گل‌ها را آب دادی؟’

با بررسی این جنبه از ساختار گروه اسمی در زبان کردی می‌توان گفت که اسامی جمع هم برای دلالت بر نوع و هم برای بیان واحدهایی از اسم توده‌وار استفاده می‌شوند و ویژگی جمع در این زبان منطبق بر توصیف چیرچیا از کاربرد جمع در زبان‌های ممیزی نیست.

پ) اجباری بودن ممیزهای عدد در زبان‌های ممیزی: برخلاف نظر چیرچیا به نظر می‌رسد که در بعضی از زبان‌های ممیزی وجود ممیز عدد اختیاری است. آبخنوالد (۲۰۰۰: ۱۰۰) معتقد است که در بسیاری از زبان‌ها ممیزها می‌توانند در برخی از گونه‌های اجتماعی زبان و براساس بزرگی و کوچکی اعداد حذف شوند. زبان کردی کلهری نیز از زبان‌های ممیزی است که طبق داده‌های زیر وجود ممیز عدد در آن اختیاری است.

- (21) a. de gelæ dgrwگ
two CL window

‘دو تا پنجره’

- b. de dgrwگ
two window

‘دو پنجره’

بنابراین می‌توان گفت که توصیفی که چیرچیا از زبان‌های ممیزی ارائه کرده است با ویژگی‌های ممیزهای عدد در کردی کلهری به‌عنوان یک زبان ممیزی منطبق نیست.

۲-۵. تحلیل الگوی بورر

داده‌هایی مانند (۲۲) و (۲۳) حاکی از این است که نظر بورر مبتنی بر در توزیع تکمیلی بودن تکواژ شمار و ممیز عدد در زبان‌های ممیزی در کردی کلهری صادق نیست. آن‌چنان‌که خوش‌ساختی این داده‌ها نشان می‌دهد در این زبان ممیزها و نشانه جمع می‌توانند با همدیگر در یک ساختار واحد به کار بروند.^۴

- (22) a. nuw gelæ duwæt-æg-an haten
nine CL girl-DEF-PL come.3PL.PAST

‘نه تا دخترها آمدند’

- b. duwæt-æg-an, hær nuw gelæ-y-an haten
girl-DEF-PL, each nine CL-y-PL come.3PL.PAST

‘دخترها هر نه تاشون آمدند’

- (23) hær šæš gelæ liwan-æg-an šekyanæ
eagh six CL glass-DEF-PL break.3PL.PRESENT PERFECT

‘هر شش تا لیوانها شکسته‌اند’

براساس داده‌هایی از این دست ملاحظه می‌شود که نظریه بورر قادر به توصیف داده‌های مرتبط در زبان کردی به-عنوان یک زبان ممیزی نیست.

۳-۵. تحلیل الگوی گبهارت

آن‌چنان‌که در بخش مربوط به معرفی مدل گبهارت گفته شد، او معتقد است که هر یک از هسته‌های نحوی حاوی مشخصه‌هایی هستند که نقش آن‌ها را در درون ساختارهای حاصل از فرافکن این هسته‌ها مشخص می‌کند. بررسی داده‌های زبان کردی مانند (۲۴.a) حاکی از آن است که ممیزها با سورهایی که از لحاظ مختصه کمیت حاوی مشخصه [نسبی] هستند به کار نمی‌روند. حضور اجباری ممیزها با اعداد در ساختار گروه حرف تعریف زبان کردی، آن‌چنان‌که خوش ساختی (۲۴.b) در برابر بدساختی (۲۴.c) نشان می‌دهد، حاکی از این است که مختصه کمیت در ممیزها لزوماً حاوی مشخصه [مطلق] است. همچنین ممیز عددی عام /gelæ/ در کردی کلهری همراه با تمامی اعداد از جمله عدد «یک» به کار می‌رود (۲۵.a و b). این ویژگی این ممیز بیان‌گر این است که در این زبان ممیزها از لحاظ مختصه انفراد نمی‌توانند حاوی ارزش‌هایی مانند [کمینه] و [گروه] باشند. در زبانی مانند فارسی که در آن ممیز عامی مثل «تا» در یک ساختار واحد با عدد «یک» به کار می‌رود، می‌توان گفت که این ممیز، برخلاف ممیز عدد عام کردی کلهری، علاوه بر مشخصه کمیت و انفراد، حاوی مشخصه [گروه] نیز است.

(24) a. *qeyre gelæ šamuw
 some CL watermelon
 ‘تعدادی تا هندوانه’

b. šæš gelæ šamuw
 six CL watermelon
 ‘شش تا هندوانه’

c. *gelæ duwæt
 CL girl
 ‘تا دختر’

(25) a. pænɟ gelæ duwæt
 five CL girl
 ‘پنج تا دختر’

b. ye gelæ duwæt
 one CL girl
 ‘یک دختر’

بنابراین نقشی که ممیز عدد در زبان کردی دارد در واقع منفرد کردن است. این عنصر حاوی مشخصه انفراد و کمیت مطلق است. براین اساس ممیزهای عدد می‌توانند در این زبان هم با اسامی مفرد و هم جمع به کار بروند. این درحالی است که تکواژهای /-an/ و /-eyl/ در (b و a.۲۶) به‌عنوان تکواژهای شمار در زبان کردی کلهری، برخلاف ممیز عدد، با سورهایی مانند /bazeɟ/ در (b.۲۶) که حاوی مشخصه کمیت نسبی هستند هم‌آیی دارند.

(26) a. gište ketaw-æg-an ?era-m bar
 all book-DEF-PL for-me bring

‘همه کتاب‌ها رو برام بیار’

b. bazey menal-eyl fæɾæ.weran
some child-PL much.talktive

‘بعضی بچه‌ها پر حرفند’

براین اساس مشخصه‌های موجود در هسته‌های اسم، تکواژ شمار، ممیز و سورهای عددی و غیر عددی در زبان کردی به‌عنوان یک زبان ممیزی به شرح زیر است:

	هسته	مشخصه‌های نحوی
i.	اسم:	[n]
ii.	نشانه جمع:	[rel, group, u-n]
iii.	ممیز:	[abs, indiv]
iv.	ممیز تهی:	[abs, indiv, u-n]
v.	سور ضعیف عددی:	[u-abs, u-group, q] برای جمع، یا [u-abs, u-minim, q] برای مفرد
vi.	سور ضعیف غیر عددی:	[u-rel, u-group, q] یا [u-abs, u-minim, q]

بر اساس داده‌های ذکر شده از کردی کلهری می‌توان گفت که مشخصه‌های تعبیه‌شده در نشانه جمع با مشخصه‌هایی موجود در درون ممیزها متمایز از یکدیگر هستند و این چنین نیست که هر دوی آن‌ها نقش یکسانی را در درون ساختار نحوی گروه حرف تعریف ایفا بکنند.

در رابطه با داده‌ای مانند (۷) که در آن ممیز عدد علی‌رغم اختیاری بودنش در کردی کلهری اجباری است بر اساس نظریه گبهارت می‌توان گفت که اجباری بودن حضور ممیز عدد در این جملات به این دلیل است که تکواژ جمع /-an/ حاوی مشخصه [گروه] و مشخصه کمیت از نوع [نسبی] است به این مفهوم که به لحاظ کمیت به جمع نامشخصی از اسم اشاره دارد. بر این اساس عدد تنها هنگامی در این ساختار قرار می‌گیرد که عنصر دیگری در این جمله وجود داشته باشد که دارای مشخصه قابل تعبیر کمیت [مطلق] باشد، به طوری که عدد بتواند در رابطه خواهری با این عنصر مشخصه غیرقابل تعبیر خود را بازبینی نماید. این عنصر که عدد در رابطه خواهری با آن می‌تواند مشخصه غیرقابل تعبیر خود را حذف کند ممیز است. به این علت حضور ممیز در این بافت اجباری است.

بنابراین برطبق نظریه گبهارت و به طور خاص تمایزهای مشخصه‌ای موجود در گروه‌های ممیزی و شمار در این نظریه می‌توان باهم آبی ممیزها و تکواژهای شمار در کردی کلهری به این صورت تبیین کرد که هر یک از این عناصر حاوی مشخصه‌های متفاوتی بوده و به این علت نقش‌های متفاوتی در گروه حرف تعریف ایفا می‌کنند. بنابراین مدل گبهارت (۲۰۰۹) که بر مبنای برنامه کمینه‌گرای چامسکی و مشخصه‌های تعبیه‌شده در عناصر سازه‌ای استوار است می‌تواند به خوبی نقش این عناصر را در زبان کردی کلهری توصیف و تبیین کند.

۶. خلاصه و نتیجه گیری

در این مقاله رفتار و نقش ممیزهای عدد در گروه حرف تعریف کردی کلهری را در چارچوب برنامه کمینه گرا بررسی کردیم. در ابتدا ویژگی‌های ممیز را در این زبان بررسی کرده و ملاحظه کردیم که ممیز عام /gelæ/ پرکاربردترین ممیزی است که با اسامی قابل شمارش به کار می‌رود. داده‌های کردی بیانگر این بود که حضور ممیز عدد در گروه حرف تعریف این زبان اختیاری است. از نظر گاه جایگاه ممیز در درون گروه حرف تعریف ملاحظه شد که گروهی بنام گروه ممیزی در ساختار اسمی این زبان وجود دارد که هسته آن به‌عنوان متمم عدد موجود در هسته گروه سور ضعیف واقع شده و تحت تسلط گروه سوری ضعیف است. این گروه نیز به‌نوبه خود بر گروه شمار تسلط بلافصل دارد.

برای توصیف نقش ممیزهای عدد به‌عنوان هسته گروه نقشی ممیزی در کردی کلهری، سه الگوی مختلف موجود در این زمینه را ارائه کرده و در برابر داده‌های کردی سنجیدیم. براساس دیدگاه چیرچیا (۱۹۹۸)، در زبان‌های ممیزی اسامی به‌عنوان موضوع توده‌وار تعیین می‌شوند و به این علت برای قابل شمارش شدنشان نیاز به حضور یک ممیز در ساختار اسم‌های این زبان‌ها است و اینکه به‌خاطر توده‌واربودن اسامی در این زبان‌ها، اسم‌ها معمولاً جمع بسته نمی‌شوند. با ارائه داده‌های کردی که حاکی از وجود اسامی قابل شمارش در این زبان، باهم‌آیی ممیزها و تکواژ جمع در ساختار گروه حرف تعریف و همچنین اختیاری‌بودن ممیزها نشان دادیم که این الگو قادر به توصیف داده‌های این زبان ممیزی نیست. بنابر بورر (۲۰۰۵) در زبان‌های ممیزی تکواژ شمار و ممیزها در توزیع تکمیلی هستند. بررسی داده‌های کردی در این زمینه حاکی از این است که ممیز عدد و نشانه جمع می‌توانند در یک سازه واحد به کار روند و در نتیجه تحلیل بورر از ممیزها در مورد کردی کلهری به‌عنوان یکی از زبان‌های ممیزی صادق نیست. تحلیل دیگری که درباره ممیزهای عدد در اینجا ارائه شد نظر گبهارت (۲۰۰۹) بود که با استفاده از تفاوت موجود در مشخصه‌هایی که واژه‌ها با خود از واژگان به بخش محاسباتی می‌آورند نقش‌های متفاوت تکواژهایی مانند شمار و ممیز را تبیین می‌کند. ملاحظه شد که با استفاده از این الگو می‌توان داده‌های کردی کلهری را توصیف و تبیین کرد، به این صورت که در این زبان ممیزها با سورهایی که از لحاظ مختصه کمیت حاوی مشخصه [نسبی] هستند به کار نمی‌روند. همچنین حضور اجباری ممیزها با اعداد در ساختار گروه حرف تعریف زبان کردی و باهم‌آیی آن‌ها همراه با تمامی اعداد بیانگر این است که مختصه کمیت در ممیزها لزوماً حاوی مشخصه [مطلق] است و این عناصر از لحاظ مختصه افراد فاقد ارزش‌هایی مانند [کمینه] و [گروه] هستند. براین اساس می‌توان گفت که در گروه حرف تعریف کردی کلهری هر یک از این عناصر ایفاکننده نقش‌های متمایزی از یکدیگر هستند، لذا می‌توانند در یک ساختار واحد هم‌زمان به کار بروند. بنابراین برخلاف الگوهای چیرچیا (۱۹۹۸) و بورر (۲۰۰۵)، الگوی گبهارت (۲۰۰۹) قادر است نقش ممیزهای عدد در کردی کلهری را بر مبنای مشخصه‌های خاص تعبیه شده در آن‌ها تبیین کند.

کتابنامه

- استاجی، اعظم (۱۳۸۸). "بررسی ممیزهای عدد در زبان فارسی". *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*. دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد (علمی-پژوهشی)، ۱، ۱۰۸-۹۳.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۴۸). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- حق‌شناس، علی محمد و دیگران (۱۳۸۷). *دستور زبان فارسی*. تهران: انتشارات مدرسه.
- درزی، علی و یاراحمدزهی، ناهید (۱۳۹۰). "گروه سور و گروه ممیز در بلوچی سرحدی"، *تحلیلی کمینه‌گرا*. پژوهش‌های زبانی، دوره ۲، شماره ۲، ۵۶-۳۷.
- رنجبر، وحید. (۱۳۸۸). *دستور زبان کردی کرمانشاهی*. کرمانشاه: انتشارات طاق‌بستان.
- Aikhenvald, A. Y. (2000). *Classifiers*. New York: Oxford University Press.
- Borer, H. (1984). *Pragmatic Syntax*. Dordrecht: Foris.
- Borer, H. (2005). *In Name only*. Oxford: Oxford University Press.
- Bunt, H. (1985). *Mass Terms and Model Theoretic Semantics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Carlson, G. (1977). A unified analysis of the English bare plural, *Linguistics and Philosophy* 1, 413-457.
- Carlson, G. (2003). Weak indefinites. In Martine, Coene. & Yves, D'Hulst. (eds.), *From NP to DP: on the syntax and Pragma-Semantics of Noun Phrases*, Vol. 1, 195-210. Amsterdam: Benjamins.
- Cheng, L., & Sybesma, R. (1999). "Bare and not-so-bare nouns and the structure of NP." *Linguistic Inquiry*, 4, 509-542.
- Cheng, L., & Sybesma, R. (2005). Classifiers in four varieties of Chinese. In Cinque, G. & Kayne, R. S. (Eds.), *Handbook of Comparative Syntax*. 806-838 Oxford: Oxford University Press.
- Chierchia, G. (1998a). Reference to kind across languages, *Natural Language Semantics*. 6, 339-405.
- Chierchia, G. (1998b). Plurality of nouns and the notion of semantic parameter. In Rothstein, Susan (Ed.), *Events and Grammar*, 53-104. Dordrecht: Kluwer Academic Publishers.
- Gebhardt, L. (2007). Classifiers and partitives in Persian. Available at: <http://www.linguistik.uni-kiel.de>.
- Gebhardt, L. (2009). Numeral classifiers and the structure of DP. PhD dissertation. Northwestern University
- Gebhardt, L. (2011). Classifiers are functional. *Linguistic Inquiry*, 42(1), 125-130. The MIT Press.
- Gillon, C. (2009). The semantic core of determiners: evidence from Skwxwú7mesh. In Ghomeshi, J. & Paul, I. & Wiltschko, M. (Eds.), *Determiners: Universals and Variation*, 177-213 Amsterdam. John Benjamin Publishing Company.
- Greenberg, J. (1972). "Numeral classifiers and substantive number: problems in the genesis type. In Denning, & Keith and Kemmer, & Suzanne (Eds.), 1990, *On Language: selected writing of Joseph. H. Greenberg*, 166-198. Stanford: Stanford University Press.
- Ishii, Y. (2000). Plurality and definiteness in Japanese. Manuscript, Kanada University of International Studies.
- Krifka, M. (1995). Common nouns: a contrastive analysis of Chinese and English. In Carlson, G. & Pelletier, F. J. (Eds.), *The Generic Book*, 394-411. Chicago: University of Chicago Press.

- Kroeger, P. R. (2005). *Analyzing Grammar*. Cambridge: Cambridge university press.
- Landman, F. (1995). Plurality. In Lappin, & Shalom (Eds.), *The Handbook of Contemporary Semantic Theory*, 425-458. Oxford: Blackwell.
- Landman, F. (1989). Groups I. *Linguistics and Philosophy*, 12, 744-773.
- Li, Y. A. (1998). Determiner phrases and number phrases. *Linguistic Inquiry*, 29(4), 693-702.
- Li, Y. A. (1999). "Plurality in a classifier language. *Journal of East Asian Linguistics* 8, 75-99.
- Li, W. (2000). The pragmatic function of numeral-classifiers in Mandarin Chinese, *Journal of Pragmatics*, 32, 1113- 1133.
- Link, g. (1983). The logical analysis of plurals and mass erms: A lattice theoretic approach. In Bauerle, & Rainer, & Schwartze, & Christoph and von Stechow, & Arnim, (Eds.), *Meaning, Use and Interpretation of Language*, 302-323. Berlin: De Gruyter.
- Massam, D. (2009). On the separation and relatedness of classifiers, number, and individuation in Niuean, *Language and Linguistics* 10(4), 669-699.
- Matthewson, L. (1999). On the interpretation of wide-scope indefinites, *Natural Language Semantics*, 7, 79-134.
- Muromatsu, K. (1998). On the syntax of classifiers. College Park: University of Maryland Dissertation. Online Version: <http://ling.uwo.ca/publications/CLA2006/Massam.pdf>.
- Partee, B. (1995). Quantificational structure compositionality. In Bach, E. & Jelinek, E. & Kratzer, A. & Partee, B. (Eds.), *Quantification in Natural Language*, Vol. 2, 541-60. Dordrecht: Kluwer Academic publishers.
- Sharvy, R. (1978). Maybe English has no count noun: Notes on Chinese semantics. *Studies in Language*, 2(3), 345-365.
- Simpson, A. (2005). Classifiers and DP structure in southwest Asian languages. In G. Cinque, G. & Kayne, R. S. (Eds.), *Handbook of Comparative Syntax*. 806-838. Oxford University Press.
- Tang, J. C-C. (2004). Two types of classifier languages: a typological study of classification markets in the Paiwan noun phrase *Language and Linguistics* 5(2), 377- 407.